

## دلکم

خزان آمد و باز دلم زرد میشود  
چکد خونش و سرد میشود می  
ز قار و قار کلاغان دلم گرفت  
گرفته دلکم ز هر فرد میشود  
راستی است بر زبانم جاری  
دلگیر ازنا زن و نا مرد میشود  
آزادی در چنگال سیاهیست  
استقلال رفته و طرد میشود  
از یاوه سرای غلام بچه گان  
ملت بیچاره گوش درد میشود  
پی چوکی و مقام و منزلت  
انسان گاه چه بیدرد میشود  
ریزد خون بیگناهان بیدریغ  
از جاده انسانیت طرد میشود  
خزان آمد رنگ ملت شد زرد  
بار دگرنا امید هر فرد میشود  
برخیز عزیزم خزان رفتنیست  
برنده ملت درین نبرد میشود  
سوما کاویانی

۲۹/اگست/۲۰۱۴

شب ۱۰ ساعت